سیدخلیل الله هاشمیان ۲۰۱۶/۱۰/۲۷

بحثی بر تفاوت و کمبود یک سطر در کتیبۀ منارنجات

جناب محترم داکترصاحب سیدعبدالله کاظم، با تقدیم سلام واحترام:
دوروزبخانۀپسرم بودم و دربازگشت پیام شما وچندایمیل دیگر راامشب خواندم. روش واسلوب نگارش این پیام شما، بنظرمن،واقعیتی را نمودار ساخت که حتی بحث وسوال بالای اقتباس ونقل قولی که ازیک اثرمطبوع قدیمی(فرهنگ کابل باستان)نموده اید، جناب محترم را متلون میسازد، درحالیکه من مقالۀ(انگیزه های تخریب واعمارمجدد"منارنجات") شمارا مستند،پرمعلومات، روشنی انداز،بااستدلال وآموزنده خوانده بودم.اتکاء کامل وصدفیصدبالای متون مطبوع، ولومولف آن محقق نامداری مانندمرحوم وکیلی فوفلزایی باشد، بنظرمن صائب نمی نماید، زیراانسان ومطابع هردو،عاری ازاشتباه بوده نمیتوانند.
تبصرۀمن پیرامون تفاوت دومتن درکتیبۀ(مینارنجات)یکروزبعدازنشرمقالۀ محترم داکترنبی مصداق وپیام(روزنامۀسرخط)وهم مقالۀجناب شمادرپورتال افغان–جرمن آنلاین نشرشده بود.آیابنظرشمااین بهترمیبودکه من آندومتن راناخوانده ومقایسه ناکرده،کورکورانه هردورالبیک میگفتم، یااینکه بعدازخواندن ومقایسه، تفاوت دومتن رابه هموطنان خاطرنشان میساختم؟ ومن اینکارراابدون آنکه کسیراملامت یامقصر بشمارم، محض نشان دادن "واقعیت تفاوت" انجام دادم که شماراهم ملتفت ساخت، چونکه اگرشماقبلا به این تفاوت متوجه میشدید، حتمادرمقالۀ تان تذکرمیدادید!؟ اما،به عوض تشکروشاباش، بشما برخورد، چونکه من علاوه برارائۀعین تفاوت، متن همین تفاوت رانیزصحیح ودرست خوانده بودم- پس بحیث یک دانشمندومحقق، این وظیفۀشمابودکه اول علت تائیدمراجویامیشدید، ولی درعوض مرا " به عجله درقضاوت ها"ملامت قرارداده اید.ازجانب دیگرتائیدمن ازقول محترم دگروال سعیدپیرامون تخریب(مینارنجات)دردورۀ جمهوریت محمدداود مورد پسندشماواقع نشده، بطورضمنی مرابقبول"حرف های هوایی"ملامت کرده اید. خوب، هرچه از دوست اید نکوست، ومن منحیث یک انسان سالخورده به خلاها وکمبودهای خودمعترفم-اماشمامرامیشناسیدکه عادتِ خرابِ "تُردگفتن" دارم و"دوپشته ودورویه" نیستم، نظروعقیدۀخودرا"صاف وسچه"بیان میکنم که هرکه خواهدازسخنم خوشش آید یاملول شود، اختیاردارد.
امااین انتقادشمابالای من واردوقابل قبول است که قبل ازتائیدتفاوت موردبحث، بایست ازمحترم داکترنبی مصداق و(روزنامۀسرخط)پیرامون مرجع ومنبع اقتباس شان ازمتن کتیبۀ(مینارنجات)سندمیخواستم،اما تبصرۀمن یکروزبعدازنشرمقالات آنهابطوربیغرضانه نشرشد،بطوریکه بالای هیچیک ازدوجناح(داکترکاظم وداکترمصداق ومرجع وچگونگی اقتباس شان تبصره یاانتقادنشده وچنین هدفی هم دربین نبوده)، وازجانب دیگرایمیل آن دومقام رادرکابل نداشتم، بنابرآن درچنین فرصت کم امکان تحقیق مزید وجودنداشت-لیکن ازیکطرف شناخت پنجاه ساله ازمهارت وصداقت وتجارب طولانی ژورنالستی داکترنبی مصداق وشهرت نیک اودر میدیای کابل، وازجانب دیگرمنطق دستورزبان دری دریک سطرتفاوت موردبحث که درنتیجۀتجزیه وتحلیل خودم ازمطلب موردبحث (یک سطرتفاوت بین دو متن) بدست آمد، مرامعتقدساخت که متن مندرج درمقالات داکترنبی مصداق و(روزنامۀسرخط)آنطوریکه در درپورتال افغان–جرمن آنلاین نشرشده،صحیح ودرست میباشند.درسطور آینده منطق دستورزبان دری راتشریح خواهم کرد،اماعجالتایک نکته راخاطرنشان میسازم که یک سطرتفاوت بین دومتن راکه جناب داکتر کاظم "جمله" خوانده است، مطلب مندرج درآن سطر "جمله" نی، بلکه (فِقره)میباشد. معنی جمله درهرزبان اینست که معنی کامل راافاده کند، بعبارت دیگر(مبتداوخبر)یا (فاعل وفعل ومفعول)داشته باشد، اما تفاوت مورد بحث واجد این خصوصیات نمیباشد، یعنی :
((...فرانس خودرا برای نجات واستخلاص وطن درسمت جنوبی رسانده وبعدازقیام...))
درمطلب فوق، اگرآنرا "جمله" قیاس کنیم، بطورمجرد،ظاهرا"فرانس" بحیث فاعل یک جملۀنامکمل عرض اندام میکند، درحالیکه فاعل فقرۀ مذکورشخص دیگریست که درمتن بالاوجودندارد.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

درهرزبان اجزای کلام(سخن)چهارنام دارد:کلمه–فِقره– جمله- عبارت. کلمه متشکل ازاصواتیست که معنای مستقل میداشته باشد،مثلا: زمین –آسمان – کتاب- نادر- خان – پنج – درخت – آدم – زن وغیره.
فِقره متشکل ازدوکلمه یابیشترمیباشد، مثلا:دخترکاکا-گیلاس پغمان- هوای کابل – سرک خامه – تبعهٔامریکا- موترغرازه- توت پنجشیر.
فقره مرکب ومدغم بوده میتواند، مثلا: توتِ پَرکبک – حلیم پُرروغن – جوی پل مستان – اشعار میرزابیدل – فُقرات مرکب میباشند، و مطلبی که دربالا دربین دوقوس گرفته شده، یک فِقرهٔ مدغم میباشد.
جمله درهمه زبانهاچنان ترکیب لفظی است که دارای مفاهیم دستوری فاعل– فعل ومفعول باشد، یعنی یک مفکورهٔ کامل راافاده کند.مثلا: محمدنادرخان از فرانسه به خوست آمد- احمد محمودرازد- من کتاب میخوانم- نرخ روغن بالارفته است – غنی وعبدالله ساعت تیری میکنند- تلویزیون طلوع مرکزتبلیغات ایران است- نادرخان برای نجات و استخلاص وطن، خودرا به سمت جنوبی رساند -وامثالهم. تنها جملهٔ اخیر یک جملهٔ مرکب ومتباقی جملات ساده ومستقل میباشند. جملهٔ مدغم چنان ترکیبی است که چندین مطلب درآن گنجانیده شده، اما فاعل ومفعول آن مشخص میباشند، مثلا:
"محمدنادرشاه افغان که به استماع فریادوطن ازگوشهٔ مملکت فرانس خودرا برای نجات واستخلاص وطن درسمت جنوبی رسانده وبعدازقیام به عزم استیصال سارقان درطی اقدامات هشت ماههٔ خود بادلیران جنوبی و به هجوم وزیرستان 16 میزان سال 1308 شمسی مرکز سنیهٔ افغانیه رافتح وتسخروبچهٔ سقورابااراکین خائنش ازصفحهٔافغانستان محوومعدوم نمود."
متن بالایک جملهٔ مدغم است، فاعل این جمله تنها شخص محمدنادرشاه بوده،افعال متعددازقبیل(استماع)،(رسیدن بجنوبی)،(قیام به عزم) (هجوم باوزیرستان)،(فتح وتسخیرمرکزافغانیه)،(محوومعدوم کردن) رادربردارد– ومفعول فعل این جمله تنها(بچهٔ سقوبااراکین خائنش) میباشد.

ترکیباتی از قبیل :هواسرداست– خنک طوفان میکند- کچالوپخته شد- حماقت ترازوندارد – خیانت کارخوب نیست - من آدم استم: اینهارا ترکیبات یا جملات"اقتضایی" خوانند ودرین باره بحث مفصلی درعلم نحووجوددارد که تنهادرپوهنتونهابارتباط وجوه مختلف دستورزبان مطرح قرارمیگیرد.
عبارت آنچنان ساختمان لفظی راگویندکه شامل چندین جملهٔ مرکب ومدغم باشد، ولی دریک موردیامطلب مشخص ابرازنظرکندیا معلومات بدهد، مثلا اگر دربارهٔ آب وهوای جلال آباد صحبت میکند، درعین عبارت(پاراگراف)از آب وهوای کابل یا پغمان صحبت نکند- همین ساختمان لفظی زیربحث ما، یعنی متن کتیبهٔ(مینارنحات) که از "بیادگار فداگاری و..." شروع و به " تاسی وتعقیب میکند." ختم میشود، یک عبارت است.
مرابیخشیدومعذورداریدکه باذکر لاطایلات دستوری وقت شماراضایع ساختم، واین کارراخودنمایی هم نپندارید، زیراتشریح مطالب بالا به بحث منطق دستورزبان تعلق داردکه اینک آنراآغازمیکنم:
دربالا گفتم که درنتیجهٔتجزیه وتحلیل خودم باساس معیارهای دستور زبان ازمطلبیکه داکترصاحب کاظم آنرا"جمله"خوانده، ولی آن مطلب راجزءکتیبه(مینارنجات) نمیدانند، من به این نتیجه رسیدم که آن مطلب، یعنی آن(فقرهٔمرکب)، جزءاصلی کتیبه بوده،که درغیرآن معنی کلمات تسلسل منطقی خودرامیبازد.بطورمثال، اگرقبول کنیم که به قراردعای داکترصاحب کاظم مبتنی برمتن مندرج در(فرهنگ کابل باستان)، متن ذیل:
"...محمدنادرشاه افغان که به استماع فریادوطن ازگوشهٔ مملکت به عزم استیصال سارقان...بچهٔ سقو ...رامحو ومعدوم نمود."
جزءاصلی آن کتیبه میباشد، بیائید تاباهم چندقسمت متن فوق رابه اساس منطق دستورزبان دری تجزیه وتحلیل کنیم:
"...محمدنادرشاه افغان که به اساس فریاد وطن..." درین فقره، معنی "فریاد وطن" = (به فریاد افغانستان).

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

درفقرۀ دوم "ازگوشۀ مملکت به عزم استیصال سارقان"، معنی "گوشۀ مملکت " = (به گوشۀ افغانستان)است - بنابرآن :
"محمدنادرشاه...که باستماع فریادافغانستان ازگوشۀافغانستان به عزم استیصال سارقان... بچۀ سقو رامحوومعدوم نمود." یعنی:
(محمدنادرشاه افغان فریادافغانستان راازگوشۀدیگرافغانستان <که خوست باشد> استماع نموده به عزم استیصال سارقان...بچۀسقو ... را محوومعدوم نمود.)آیادستورزبان دری این منطق راقبول میتواند که(محمدنادرشاه فریادافغانستان راازگوشۀدیگرافغانستان شنیده؟)
نکتۀبسیارمهم دیگردرساختمان جملۀفوق موجودیت حرف ربط "که"است، که قبل از "باستماع" قرارگرفته وهدف این حرف ربط اضافه ساختن یک فِقرۀدیگربه آن جمله میباشد، وآن فِقره عبارتست از:"...که به استماع فریاد افغانستان ازگوشۀ مملکت فرانس ..." ! بنابرآن، ساختمان متن اصلی کتیبۀ(مینارنجات)ازینقراراست که :
"...محمدنادرشاه افغان که به استماع فریاد وطن ازگوشۀ مملکت فرانس خودرا برای نجات واستخلاص وطن درسمت جنوبی رسانده وبعداز قیام به عزم استیصال سارقان...مرکزسنیۀ افغانیه رافتح و تسخیر وبچۀسقو راباراکین خائنش ازصفحۀافغانستان محوومعدوم نمود..."
این بودتوضیحی پیرامون منطق دستورزبان دری وطریق تجزیه وتحلیل ساختمان لفظی کتیبۀ(مینارنجات)، ودرین تحلیل ونتیجه گیری هیچ گونه حب وبغض شخصی دخالت نداشته،این قلم بعضی آثارمرحوم وکیلی فوفلزایی رامطالعه وازآنهااستفاده کرده وبه شخصیت آن مرحوم و وشیوۀتحقیق شان ارج واحترام قایل است – هکذازحمات وتحقیقات پرارچ محترم داکترکاظم که مفت ورایگان بدسترس افغانهاقرار می گیرند، قابل ستایش است ومن همیشه ازتحقیقات آن دانشمندمحترم آموخته ام وهم استفاده کرده ام. اختلاف نظردرمسایل علمی بین نویسندگان یک غنیمت بلکه یک موهبت است که باید حفظ شودودوام یابد- نظروطرزتحلیل ونتیجه گیری من ازمتن کتیبۀ(مینارنجات)از طریق این مقاله بدسترس اهل خبره قرارمیگیرد تا بعدمطالعه و مقایسۀ دومتن، درزمینه اظهارنظرفرمایند. من امروزازطریق همین پورتال یادداشتی به محترمان داکترنبی مصداق و(روزنامۀسرخط) ارسال وتقاضامیکنم مرجع ومنبعی رامعرفی کنندکه متن کتیبۀمینار نجات راازآنجااقتباس کرده اند.
ازمسایل دیگرمندرج درپیام محترم داکترکاظم، یکی کنایۀ شان به ارتباط تائیدمن ازموقف محترم دگروال خان آقاسعیدپیرامون تخریب (مینارنجات)دردورۀجمهوریت محمدداودخان میباشد.بلی،من آن تائید خودرااینک تکرارمیکنم، در حالیکه این دگروال محترم راتاحال به رویت ندیده ام ویگانه تماس بین ماهمین مطالب منتشره درپورتال میباشد- علاوه میکنم که بعقیدۀ من دگروال موصوف یگانه عضوصادق آن جمهوریت است که واقعیت مربوط به تخریب(مینارنجات)راده سال قبل بطوررسمی ومطبوع بیان کرده- کسان دیگری که هنوزحیات دارند ودهل وسرنای آن جمهوریت رامداوم تق وپف میکنند،نه برابرمحترم دگروال سعیدجرات اخلاقی دارندونه بوطن وکرامت تاریخ وطن علاقه مندمیباشند. هنوزهم امیداست کسانی طلسم "یک دنده گی" رابخاطر حق وحرمت تاریخ باطل ساخته وازتصمیم غلط رهبرخودپرده بردارند. مرحوم محمدداودخان ملایک یاپیغمبرنبود، یک انسان سرتنبه ودیکتا تورمشرب بود،کارهای مفید وزیربنایی ازدورۀصدارت اودرافغانستان انجام یافته که بدون یکمقداردیکتاتوری این نوع کارهای مفید انجام یافته نمیتوانست. طبعادرطریق تطبیق کارهای خوداشتباهاتی هم مرتکب شده، که یکی آن دردورۀجمهوریت هماناتخریب مینارنجات میباشد. من محض یک افغان آواره ومهاجردربیرون ازکشور، استدلال جناب داکترصاحب کاظم راکه گویاروز23 میزان تاریخ جلوس اعلحضرت نادرشاه بوده وآنرارهبرمحمدداودخان بکودتای سرطانی تبدیل کرده چندان قناعت ندارم، رهبرمیتوانست عوض 23 میزان، اول میزان یا 15 میزان رابحیث(جشن نجات)تعیین میکرد، ولی همانطوریکه دردوران سلطنت محمدنادرخان و 17 سال دیکتاتوری وآدمکشی محمدهاشم خان، نام اعلحضرت امان الله خان وده سال دورۀ سلطنت اوازکتابها

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

وجراید وحتی از زبان مردم برانداخته شد، دردورۀ جمهوریت محمدداودخان همه واقعات مربوط به چهل سال سلطنت محمدظاهرشاه، یعنی تاریخ چهل سالۀ کشورومردم افغانستان که درآن شخص رئیس جمهور نیر سهم برازنده داشت، بکلی ازکتابهاوزبانهابرانداخته شد.درست است که رژیم جمهوری مترقی ترومفیدترازرژیم شاهی است، ولی رژیم جمهوری نمی بایست بالای تاریخ چهل سالۀدورۀشاهی بکلی خط سیاه وبطلان می کشید.مع الاسف عقده های شخصی دردورۀجمهوری هنوزفروکش نشده بود! سوالات محترم کلیوال صاحب نیزخواندنی وشایدتاحدی هم پذیرفتنی باشند.

دراخیر، مطلبی رابطورمختصردرینجا گزارش میدهم که به بحث فوق ارتباط مستقیم نداشته، ولی درایمیل مورخ 24 اکتوبر قاسم بازدرج و در کلکین نظریابی نشر شده، ومن آنراامروزخواندم، ازین قرار است:

""چندی قبل آقای عارف عباسی ازقول داکترهاشمیان نوشت که داکترصاحب محمدحسن شرق برایم گفته که این میناردردورۀ جمهوریت محمدداودخان تخریب شده است. درینجا دوموضو مطرح میشود:

1) چراداکتر صاحب هاشمیان راسا خودش نخواست بنویسد که بلی داکترصاحب شرق به وی چنین وچنان گفته اند.

2) اگراین موضوع راداکترصاحب شرق به آقای هاشمیان نگفته، چراداکتر هاشمیان ازگفتۀ وی توسط تیلفون به آقای عباسی اظهارداشته که بلی به فرمودۀ داکترحسن شرق این منار دروقت جمهوریت تخریب شده؟ دردوران جمهوریت داکترمحمدحسن شرق شخص دوم ومقتدر جمهوریت بود، وی مسئولیت مساوی با مرحوم داودخان دارد.""

پاراگراف سوم ایمیل آقای قاسم بازمحتویاتی داردمتفاوت از دومادۀ فوق الذکر که من درپیام دیکر طورمستقل به آن خواهم پرداخت. و اما درمورد دوموضوع فوق موقف وبیام من ازینقراراست:

1) من هیچگاه به آقای عارف عباسی (نه شفاءً ونه کتبا)چیزی ازین قبیل نگفته ام که "بلی داکترصاحب شرق بمن چنین وچنان گفته" من اصلا تاکنون موفق بدیدار داکترحسن شرق نشده ام تا اززبان او به آقای عباسی یا شخص دیگری نقل قول کنم، بلکه از عدم دسترسی خود و عدم امکان ملاقات خود باداکترحسن شرق ، درکلکین همین پورتال گزارش داده ام.

ازجانب دیگر، تاامروزمن اززبان یا قلم آقای عباسی چنین چیزی نشنیده و نخوانده ام که اوگفته باشد که: "هاشمیان از زبان داکترحسن شرق برایم گفته که این میناردردورۀجمهوریت محمدداودخان تخریب شده است."

آقای عباسی آدم دروغگو نیست و گمان نمیکم که بالای دوست موسپیدخود چنین تهمتی کاملا دروغین بسته باشد، تصورمیکنم این دروغ راشخص نوکر صفت دیگری که مزاج فتنه انگیز دارد، ساخته باشد- بهر حال منتظر توضیح آقای عباسی میباشم که بمجرد خواندن این سطور درپورتال افغان –جرمن آنلاین جواب خودرابه پورتال بفرستد- تا سیاه رو شود آنکه در او غش باشد !

2)ازآنجائیکه من تاکنون بدیدارداکترحسن شرق موفق نشده ام واین مطلب را درپورتال نوشته ام، پس من چیزی برای گفتن ونوشتن از زبان داکتر حسن شرق نداشته ام. قاسم باز یا چشمانش ازدیدن وخواندن محروم شده که نوشتۀ مرا درپورتال افغان – جرمن آنلاین نخوانده، ویاآنقدر به وکیل الدعوی بودن محمدداودخان مصروف و مغروراست که ازخودمیتراشد وهر کلوله گی را پشقل می پندارد .

3) به آقای قاسم بازکه اکثراوقات مصروف جمع کردن نعمتهای ولینعمت خود میباشد و خودش برای خود موضوع ومضمون دروغین میتراشد، چنانچه درماردۀ دوم خودمیگوید :"اگراین موضوع را داکتر صاحب شرق به آقای هاشمیان نگفته، چراداکترهاشمیان ازگفتۀ وی توسط تلفون به آقای عباسی اظهارداشته که بلی بفرمودۀ داکتر حسن شرق این منار دروقت جمهوریت تخریب شده؟ ..."

بارالها، شخص بی حیا وچشم سفیدی مانند قاسم باز شاید درجهان پیدانشود، زیرا من هیچ چیزی دربارۀ تخریب مینار نجات اززبان داکترحسن شرق نشنیده ام ومن هیچگاه اززبان داکتر حسن شرق به آقای عباسی شفاءً، تلفونا یاکتباً چیزی نگفته ام، چونکه اصلا اززبان داکترحسن شرق چیزی نشنیده بودم که به آقای عباسی نقل قول میکردم !!! پس این مطالب همه زاده وبافتۀ نمکخوردهن دروازۀ محمدداودخان است.

اینکه قاسم بازمیگوید :"دردوران جمهوریت داکترمحمدحسن شرق شخص دوم و مقتدرجمهوریت بود، وی مسئولیت مساوی با داودخان دارد." درست است – داکتر حسن شرق یار ویاور ورفیق وهمکاررسمی وصادق محمدداودخان بوده، امانوکر دهن دروازه و دروازه وان محمدداودخان نبوده، از طریق دریافت معاش حلال ورسمی ازخزانۀ دولت امرارمعاش میکرده، اما معاش او ازپول شخصی یا میراثی محمد داودخان، بصفت دروازه وان خانه اش، پرداخته نمیشد.

تعجب درینجاست که آقایان عارف عباسی و داودمومندنوشته وگزارش مرادرپورتال افغان –جرمن آنلاین خوانده وعکس العمل مثبت هردوی شان نشر شده که گویا هاشمیان نتوانست وموفق نشد که ازداکترحسن شرق درمورد تخریب مینارنجات معلومات حاصل کند، وهریک ازین دونویسنده نظروتجویزدیگری به پورتال ارائه کردند که نشرشده است- اما نوکرزاده قاسم باز بمن تهمت می بندد که هاشمیان به عباسی چنین وچنان گفته است، درحالیکه من ازمریضی آقای عباسی ازطریق پورتال خبرشدم ومیبایست اقلا تلفونی از او عیادت میکردم که تاحال صورت نگرفته است.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

تقاضای رسمی از متصدیان محترم پورتال افغان –جرمن آنلاین:
1)نوشته وگزارش من مبنی برعدم موفقیتم به دیداروصحبت باداکترحسن شرق درین پورتال نشرشده، لطفا آنرا یکباردیگر درستون نظرات فردا 27 اکتوبر نشرکنید
2)دراثرتهمتها وبهتان های شاخدار ودروغینی که قاسم باز برمن بسته، تقاضای محاکمهٔ رسمی این موضوع و ثبوت مدعیات اورا از پورتال عدالت پسند افغان –جرمن آنلاین میخواهم تاهرکه مقصر وملامت باشد، علاوه برمعذرت رسمی از طرف مقابل، مبلغ سه هزار دالر نیز برای تقویه بنیهٔ مالی این پورتال بپردازد. برتقاضای خودباتاکید واصرار ایستاده ام–باعرض احترام– مورخ چارشنبه 26 اکتوبر2016 –سیدخلیل الله هاشمیان-عضوصادق، راستگو وراستکارافغان-جرمن آنلاین

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ